

رتبه‌های برتر مسابقه عکس‌های عاشورایی معرفی شدند

مسابقه و نمایشگاه عکس‌های عاشورایی هفتاد و دو لاله عصر پنج‌شنبه ۲۵ مردادماه طی مراسمی با معرفی چهار برگزیده این مسابقه پایان یافت. در این مراسم که با حضور جمعی از صاحبان آثار در نمایشگاه و علاقه‌مندان به عکاسی در محل باغ‌موزه وزیری برگزار شد، در آغاز محمد اسلامی عکاس و مستندساز که در برگزاری این رویداد نقش سرپرستی گروه داوری آثار را بر عهده داشت، دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری این مسابقه و نمایشگاه توضیحاتی داد. وی با اشاره به نقش ستودنی الهه شعبانی مدیر گالری باغ‌موزه وزیری و آزاده عطایی مشاور ایشان در برپایی این رویداد فرهنگی و هنری گفت: «شروع کار در آغاز با دست خالی بود، اما در ادامه معاونت فرهنگی، هنری و اجتماعی شهرداری کرمان و مدیریت باغ‌موزه وزیری از این کار حمایت کردند، که از دو سیاست‌گزاریم».

فرش نیاز به سازمان مستقل دارد

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های فرش دستباف فرش دستباف را کالایی صدرصد ایرانی دانست که ۹۵ درصد آن صادر می‌شود و اظهار کرد: «دولتمردان باید این صنعت را به عنوان صنعتی ملی، اشتغال‌زا و استراتژیک مد نظر قرار بدهند و برای آن هزینه و سرمایه‌گذاری کنند. امروز لازم است تا مدیریت کلان این صنعت بزرگ در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ و یک سازمان مستقل با جایگاه استراتژیک برای آن تعریف شود». عبدالله بهرامی یادآور شد: «خوشبختانه سند راهبردی فرش دستباف در مرکز ملی فرش برای بار دوم بازنگری شده و اصلاحات خوبی در آن انجام گرفته است».

دکتر محسن پور مختار

ژنرال «سِر پرسی مولهورت سایکس» افسری انگلیسی بود که از سال ۱۸۹۳ تا سال ۱۹۱۸ شش بار به ایران سفر کرد. او حاصل مشاهدات خود در چهار سفر نخست را در سال ۱۹۰۲ در کتابی با عنوان «ده هزار میل در ایران یا هشت سال در کشور شاهنشاهی» منتشر کرد. سایکس در جنگ جهانی اول نیروی پلیس جنوب ایران S.P.R را که متشکل از یازده هزار سوار و پیاده بود جهت تأمین امنیت جنوب ایران ایجاد کرد و یک تیپ آن را در کرمان و دو تیپ دیگر را در فارس و بندرعباس مستقر ساخت. ژنرال قدرتمند انگلیسی در سیرجان با حسین خان بجاچی جنگ‌های سخت کرد که شرح آنها مجالی دیگر می‌طلبد. سایکس که به تاریخ و جغرافیای ایران علاقه‌مند بود و زبان فارسی هم می‌دانست، تالیفات متعددی دارد از جمله «تاریخ ایران» و «تاریخ کرمان».

سایکس مشتاق دیدار سیرجان

ژنرال سِر پرسی سایکس فصل سی و ششم کتاب خویش با عنوان «سیرجان یا کرسی نشین سابق ایالت کرمان» را با ذکر اشتیاق خود به دیدار از این منطقه باستانی و مهم آغاز می‌کند:

«... اینجانب به شهر سیرجان از لحاظ اینکه روزی کرسی نشین ایالت کرمان بوده زیاده از حد علاقه مند بودم» وی در مسیر حرکت خود از کرمان به سیرجان از منازل ذیل عبور می‌کند: کرمان- جوپار- بهرامگرد- نگار- قلعه عسکر- گیسکان- بافت- کوشک برج- هوشون.

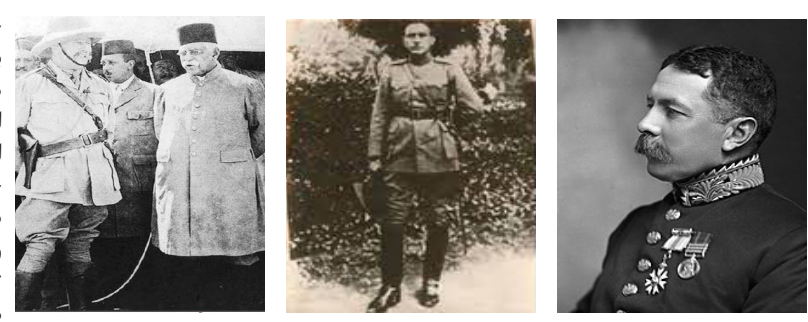
سایکس از فرزند تبه‌های هوشون، دورنمای باغهای بلوژد را مشاهده کرده و در دفتر یادداشت‌های خود می‌نویسد: «از دور بلوژد که باغات آن اکثر در تصرف ایل قرانی است در سمت شمال سلسله جبال مقابله مشاهده می‌شود»

سِر پرسی سایکس در ادامه روایت سفر خود به سیرجان می‌نویسد که حاکم، بزرگان و تاجران شهر به استقبالش آمدند و او مقارن غروب آفتاب به سعیدآباد رسید و پس از عبور از بازارهای تنگ و تاریک شهر در باغ مصفائی رخت‌آقامت افکند. باغی که او را به دنیای اشعار آسمانی حافظ برد: «صفا و طراوت باغی که برای سکونت ما اختصاص داده بودند شب اول به خوبی احساس نگردید ولی صبح روز بعد خضارت و سرسبزی اشجار زیبایی نسترن که غرق شکوفه بود و درخت‌های فراوان گل سرخ که تمام فضای باغ را خوشبو و معطر می‌ساخت و نغمات دل‌فریب طیور و مخصوصاً آواز بلبل و هزارستان که سامعه را لذت می‌داد، بی اختیار انسان را به یاد اشعار فغاناپذیر حافظ می‌انداخت»

راستی آن باغ بهشت آسا که مهمان فرنگی خود را به یاد اشعار آسمانی زنده شیراز می‌انداخت در کجای شهر واقع بوده که امروز اثری از آن برجای نیست؟

سیرجان در سفرنامه ژنرال سایکس انگلیسی

سفر به سیرجان صد سال پیش



سایکس، آن شب و روز بعد را به کسب اطلاعات درباره سعیدآباد گذراند تا آنجا که: «عشق و علاقه من برای کسب اطلاعات سعیدآباد اندکی رو به تخفیف نهاد ولی از قلعه سنگ، نیز لازم بود اطلاعاتی به دست بیاورم و در واقع نمی‌توانستم اطمینان حاصل کنم که خوانین محل به قلعه مذکور رفته و اطلاعات صحیحی داشته باشند»

سایکس که از بی توجهی ایرانیان به تاریخ و میراث فرهنگی خود مطمئن و از سخت‌اطلاعات آنها در این زمینه نامطمئن بود، پس از یک روز استراحت در آن باغ دلپذیر شخصاً برای بازدید کرسی نشین قدیم کرمان به بازدید قلعه سنگ شتافت.

دزی دید با آسمان هم نورد

ژنرال سایکس به سیرجان از آن جهت که پایتخت قدیم ایالت کرمان بوده، علاقه خاص داشت و به همین دلیل عنوان فصل ۳۶ کتابش را که به سیرجان اختصاص دارد، «یک پایتخت کهن» گذاشته است. او آنقدر به دیدن قلعه سنگ یا همان مرکز حکومتی سیرجان قدیم اشتیاق داشت که قبل از رسیدن به شهر، در فرصت کمی که به غروب آفتاب مانده بود، گشتی شتابناک در قلعه زد و پس از یک روز استراحت در سعیدآباد، به همراه «خان بهادر» حاکم سیرجان به دیدار تفصیلی قلعه سنگ شتافت.

سایکس با ذکر نام دیگر «قلعه سنگ» یعنی «قلعه بیضاء» به معرفی قسمتهای بازمانده قلعه و خواندن کتیبه‌های منبر سنگی و حمام و سرداب آنجا به یاری ملای محلی می‌پردازد او با ذکر سخنان افضل کرمانی درباره عظمت قلعه سنگ و یادآوری این نکته که امیرمبارزالدین محمد میددی سر سلسله آل مظفر، مدتی در این قلعه محبوس بوده، به ویرانی سیرجان قدیم به وسیله لشکر تیمور اشاره کرده و می‌افزاید: مردم پس از آن شهر «بی‌امیدی» را ساختند و به آنجا مهاجرت کردند و پس از اینکه این شهر هم در فتنه افغان‌ها خراب شد، شهر جدید توسط «میرزا سعید» احداث شد.

سایکس این عقیده مردم سیرجان که نام شهر را تحریف شده «سمنگان» می‌دانند، به درستی رد می‌کند و جمعیت سعیدآباد را ۳۰۰۰ خانوار نوشته و از حاصلخیزی

خاک سیرجان و باغ‌های پر درخت و زیبای آن تعریف کرده و از اینکه در هیچ جا تریاک به اندازه سیرجان شیوع ندارد اظهار تأسف می‌کند.

سایکس سفری هم به پاریز سیرجان کرده و از طوایف آن حدود هم یاد کرده: پاریز در ارتفاع ۷۷۵۰ پا قرار گرفته و اطراف آن تمام باغ و دارای ۳۰۰۰ نفر جمعیت است و اگر اولین نقطه ورود مهاجمین و غارتگران فارسی نبود، زود رو به آبادی می‌گذاشت.

ملاقات با رابین هود ایران

ژنرال سایکس برای بازگشت به کرمان از طریق کوهستان و از منازل ذیل طحّ طریق میکند: سعیدآباد-امیرآباد.

چون مشتاق ملاقات اسفندیارخان رییس ایل بجاچی بودم به روستای تکیه که مدفن یکی از برادران متعدد امام رضا با نام «شاه عبدالرحمن» است، رهسپار شدم.

تکیه بیلاق اسفندیارخان بجاچی است که به منزله‌ی رابین هود: Robin Hood of Persia ایران به شمار می‌رود: اسفندیارخان آن است که سعیدآباد را با حکمی



«عبدالله افندی» سفیر عثمانی در افغانستان و «برکمان» قونسول دولت آلمان در کرمان و «دکتر چوتوراس» رئیس هیأت اطریشی مقیم کرمان که بر علیه انگلیس فعالیت می‌کردند، با تعدادی همراه تصمیم گرفتند به شیراز بروند. «سردار نصرت» رئیس قشون کرمان که طرفدار انگلیس بود تلاش کرد تا این گروه را دستگیر کند.

«حسین خان بجاچی» اما چون شاهین سر رسید و کاروان متحدین را با خود به قلعه کوه‌های چهارگنبد برد. حسین‌خان که از اوان نوجوانی با محافل آزادیخواهان و دموکرات‌های کرمان آشنا شده بود دل در گرو «مهر ایران» و به تبع آن دوستی آلمان‌ها داشت. اسلام دوستی خان نیز همسنگ ایران دوستی اش بود. حضور عبدالله افندی مسلمان در کاروان متحدین او را در برابر وظیفه اسلامی قرار می‌داد. تصمیم خودش را گرفت:

سایکس که خبر را شنید، یک گروه ۱۴۰ نفره هندی با یک توپ و دو گروه ۵۰ نفری به فرماندهی «مازور و آگستف» به دستگیری حسین خان فرستاد.

این عده چون نتوانستند حسین خان را دستگیر کنند، به بلوژد رفتند و خانه او را غارت کردند. حتی از سر درختان باغ هم نگذشتند. آنها را بریدند.

حسین خان به داراب رفت و پس از دو هفته برگشت و با چند تفنگچی زنده و همکاری مردم سیرجان شهر را تصرف کرد. انگلیس‌ها به شهر حمله کردند و جنگ در گرفت.

مهاجمین بیگانه ۲۲ نفر تلفات دادند. زمانی که آنها سعیدآباد را به توپ بستند، حسین خان شهر را رها کرد و به فارس رفت. به داراب انگلیسی‌ها از اعیان سیرجان ۱۴۰۰ تومان گرفتند: خونبهای کشتگان خویش. تعداد نفرات متحدین حدوداً هشتاد تن و نگهداری آنها برای حسین خان دشوار بود. لذا اکثریت آنها به شیراز رفتند، و در آنجا گرفتار قوام

الملك شدند که به تازگی بر آزادخواهان شهر تفوق یافته بود. عبدالله افندی و قونسول آلمان در کرمان اما با حسین خان ماندند و او آنها را در زمان‌های جداگانه با اسب از راه کویر به تهران برد و به سفارت عثمانی و آلمان تحویل داد.

حسین خان پاداشی را که دولتین آلمان و عثمانی می‌خواستند تقدیمش کنند با این استدلال رد کرد: من وظیفه ایلی، ایرانی و اسلامی خود را انجام داده ام.

سایکس هم از کرمان به شیراز رفت و پلیس جنوب را تاسیس کرد او بعدها در کتاب تاریخ خود نوشت: خبر پیروزی ما در جنگ سعیدآباد، به طور مبالغه آمیزی در جنوب ایران پیچید. اگر سایکس زنده بود از او می پرسیدم: ژنرال!

با کدام منطق نظامی در جنگی نابرابر بین ۲۴۰ نفر نیروی رزمی مجهز به توپ با ۳۰ مرد عساکر، آنگاه که گروه پرتعداد ۲۲ نفر کشته می‌دهد و از گروه کم نفر حتی یک تن هم زخمی نمی‌شود، گروه نخست را پیروز می‌خوانی؟

ها! ژنرال سِر پرسی مولهورت سایکس!

اربعین سیداربعین
بازگردد باره رسیداربعین
خوش زند خون حسین از زمین
فراسیدن اربعین حسینی تسلیت باد

شرکت صنایع فولاد کاویان گهر
روابط عمومی
www.kaviangohar.ir @kaviangohar

شرکت توسعه عمران زیرساخت‌ها
روابط عمومی

بازگردد باره رسیداربعین
خوش زند خون حسین از زمین
فراسیدن اربعین حسینی تسلیت باد